

# غرر و شرط به نفع ثالث در بیمه عمر (حقوق مدنی - حقوق بیمه)

از: امیر صادقی نشاط

مقدمه

مسائل بسیاری در قراردادهای بیمه خصوصاً بیمه عمر وجود دارد که از دیدگاه اصول کلی و مبانی حقوق مدنی، قابل توجه و بررسی است ولی موضوع تحقیق ما در این مقاله منحصر است به دو مسئله غرر و شرط به نفع شخص ثالث در بیمه عمر.

برای ورود به بحث چاره‌ای نیست جز آنکه ابتدا به نحو اختصار به تعریف و اقسام قراردادهای بیمه بپردازیم تا هویت و جایگاه مسئله مشخص شود سپس مباحث اصلی را مطرح نماییم.

تعریف: بنابه ماده ۱ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶: «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازاء پرداخت وجه یا جوهری از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.

متعهد را بیمه‌گر، طرف تعهد را بیمه‌گذار، وجهی را که بیمه‌گذار می‌پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می‌شود موضوع بیمه نامند.»

البته تعریف مزبور دارای ابهاماتی است ولی از آن جهت که به قول پاره‌ای از محققین ارائه تعاریف جامع و مانع به نحوی که در گذشته علوم وجه همت و در نهایت مطلوب بود در همه موارد ضرورت ندارد<sup>(۱)</sup> و لذا به هر عبارتی که اجمالاً مورد تعریف را معلوم کند اکتفا می‌شود، اینجا نیز از ایرادهای به تعریف فوق از این جهت صرف نظر می‌کنیم ولی از نقطه نظر اینکه تا چه میزان متضمن حقیقت بیمه است بعداً مطالبی خواهیم گفت.

اقسام بیمه: بیمه از جهت موضوع آن به سه قسم تقسیم می‌شود: ۱- بیمه اشیاء: بیمه‌ای که موضوع آن مال است. این قسم خود به اصنافی نظیر بیمه آتش سوزی، مهندسی، حمل و نقل تقسیم می‌شود و باز بعضاً هر کدام از اینها به رشته‌های فرعی دیگر تقسیم می‌گردد.

بیمه اشخاص: موضوع این بیمه، انسان است که این قسم نیز خود به اصنافی نظیر بیمه حوادث و عمر و هر کدام از اینها به بخشهای دیگر تقسیم می‌شوند.

۳- بیمه مسئولیت: مقصود مسئولیت حقوقی است و الاً مسئولیت کیفری قابل بیمه شدن نیست. شاید بتوان قسم اخیر را عندالمورد به یکی از انواع اشخاص و اشیاء برگرداند و بدین ترتیب از جهت موضوع بیمه به دو قسم فوق‌الذکر اکتفا نمود. بهرحال بحث در این زمینه در خور این مقاله نیست.

در بیمه عمر، بیمه‌گر در برابر بیمه‌گذار تعهد می‌کند که در صورت فوت یا حیات او در زمان مشخص مبلغ معینی را به شخص یا اشخاص مقرر در قرارداد بپردازد.

تعریف بیمه‌گر و بیمه‌گذار (طرف تعهد) قبلاً گذشت فقط در خصوص موضوع بیمه عمر باید توضیح داده شود که شخص بیمه شده ممکن است خود بیمه‌گذار باشد یا شخص دیگری، همانطور که ممکن است دریافت کننده وجوه از بیمه‌گر خود بیمه شده باشد یا شخص دیگر، بدین ترتیب تفصیل مسأله عبارت خواهد بود از:

- ۱- بیمه‌گذار خود را به نفع خویش بیمه کند.
- ۲- بیمه‌گذار خود را به نفع ثالث بیمه کند.
- ۳- بیمه‌گذار ثالث را به نفع خود بیمه کند.
- ۴- بیمه‌گذار ثالث را به نفع ثالث بیمه کند.

## بخش اول - غرر در بیمه عمر

## الف - غرر چیست و محل اشکال کجاست؟

۱- غره از باب نصر ینصر به معانی خدعه کردن و به طمع انداختن به امر خلاف واقع، به غفلت انداختن و بالاخره در معرض هلاک قرار دادن است.<sup>(۴)</sup>

در اصطلاح، غرر هنگامی تحقق می‌یابد که در یک قرارداد، خصوصاً معاوضی، متعلق عقد مجهول باشد بطوری که از ناحیه جهل مزبور احتمال ضرر برای حداقل یکی از متعاملین وجود داشته باشد<sup>(۵)</sup> علماً غرر را موجب بطلان معامله دانسته‌اند و مستند آنرا روایت نبوی «نهی النبی عن بیع الغرر» و سیره مسلمین ذکر کرده‌اند<sup>(۶)</sup> بدیهی است قاعده غرر با قاعده غرور (المغرور یرجع الی من غره) متفاوت است<sup>(۷)</sup> و در بحث ما قاعده غرر مدنظر می‌باشد.

۲- اینک مسئله قابل بررسی این است که آیا در بیمه عمر، غرر مطرح است یا خیر؟

بجاست تذکر داده شود که اشکال مزبور خاص بیمه عمر نیست<sup>(۸)</sup> بلکه در سایر اقسام بیمه به نحو جدی تری مطرح است زیرا در بیمه‌های عمر اعم از آنکه در صورت فوت باشد یا حیات، بیمه‌گر از همان ابتدا در قرارداد، مبلغ معینی (سرمایه بیمه) را در قبال بیمه‌گذار تعهد می‌کند. بنابراین جهلی از لحاظ مبلغ عوضین، برای طرفین از ابتدا بوجود نمی‌آید تا اشکال مزبور در مورد آن مطرح شود. تنها در یک صورت این شبهه بروز می‌کند و آن موقعی است که مبلغ مورد تعهد بیمه‌گر، مبلغ معینی که یکجا یا در چند قسط پرداخت شود نباشد بلکه بیمه‌گر تعهد نماید مادام‌العمر هر ماهه یا هر ساله مبلغ معینی را به ذینفع پرداخت نماید و چون میزان عمر و زنده ماندن بعد از آغاز زمان پرداخت آن وجوه معلوم نیست در نتیجه، کل مبلغی که بیمه‌گر پرداخت خواهد نمود مشخص نمی‌باشد.

بیمه‌های مستمری بازنشستگی به‌نحو فوق صورت می‌گیرد.

بدین ترتیب چنانچه اشکال مزبور در مطلق قرارداد بیمه مرتفع شود شامل تمام اقسام آن از جمله صنف مبتلا به در بیمه عمر هم خواهد شد.

۵- بیمه‌گذار ثالث را به نفع ثالث دیگر بیمه کند.

ذکر مثال برای هرکدام، موارد را روشنتر می‌کند:

۱- شخصی خود را اینطور بیمه کند که چنانچه بعد از ۶۰ سالگی زنده ماند فلان مبلغ را از بیمه‌گر بگیرد.

۲- در صورتیکه بیمه‌گذار در عرض ۲۰ سال فوت کند مبلغ معینی به ورثه او پرداخت شود.

۳- در صورتیکه اتفاق کننده بیمه‌گذار فوت کند فلان مبلغ را از بیمه‌گر دریافت دارد.

۴- در صورتیکه فرزند بیمه‌گذار به سن ۱۸ سالگی برسد مبلغ معینی از بیمه‌گر بگیرد.

۵- در صورتیکه اتفاق کننده چند صغیر فوت کند

فلان مبلغ به صفار مزبور پرداخت گردد. در هر پنج مورد ممکن است در برخی صور و مصادیق، قرارداد منعقد صحیح باشد یا باطل که درجای خود به قدر نیاز به آنها اشاره خواهد شد. فعلاً ذکر صور مسئله به لحاظ شخص ثالث در قرارداد، مورد نظر بود که به همین اندازه اکتفا می‌شود.

در گذشته از آنجا که مفهوم بیمه نزدیک به قمار و شرط‌بندی بود و خصوصاً بیمه عمر که تا یکی دو قرن اخیر در برخی صور آن به جهت آنکه مرگ یک انسان مورد تمایل دیگری واقع می‌شد، معمولاً از سوی قوانین و محاکم کشورها مورد تجویز قرار نمی‌گرفت و نویسندگان حقوقی نیز آنرا رد می‌کردند<sup>(۹)</sup>. در حالیکه از طرف دیگر به جهت نیاز جامعه به انواع بیمه، سعی می‌شد تا با برطرف کردن عوامل خلاف قانون و نظم عمومی از بیمه و توجیحات صحیح از آن، آنرا مشروع و قابل قبول سازند. به هر حال بیمه عمر دیرتر از سایر بیمه‌ها و در انگلستان از قرن ۱۸ و در فرانسه از قرن ۱۹ رونق یافت و در سال ۱۹۳۰ قانونگذار این کشور در این خصوص قانون ویژه تصویب کرد<sup>(۱۰)</sup> قانون بیمه ایران مصوب ۱۳۱۶ نیز بطور کلی موادی ناظر به تمام اقسام بیمه و در چند ماده، درخصوص بیمه عمر مقرراتی را وضع نمود (مواد ۲۳ تا ۲۷).

امروزه علاوه بر قوانین، شروط و فرمهای یک شکل و استاندارد از سوی انجمنهای تخصصی بیمه تعیین می‌شود که بعضاً در سراسر دنیا مورد عمل قرار می‌گیرد. اینک باین مقدمه وارد و بحث اصلی این بررسی می‌شویم.

## ب - بررسی اشکال و پاسخ آن

منشاء اشکال در شناخت و تعریف بیمه نهفته است. در تعاریفی که معمولاً از بیمه می‌شود آنرا عقد معوضی می‌گویند که عوضین آنرا دو مبلغ پول تشکیل می‌دهد. تعریف مذکور در قانون بیمه ایران به همین نحو شامل تمام اقسام بیمه می‌گردد. در تعاریف خاص بیمه عمر نیز وضع به همین منوال است. بونیون در کتاب «حقوق بیمه عمر» آنرا اینطور تعریف کرده که: «قراردادی است که در آن یک طرف موافقت می‌کند در صورت وقوع حادثه‌ای ویژه در طول مدت حیات، در ازاء پرداخت فوری مبلغی کمتر یا اقساطی معین و متساوی، مبلغ معینی را بپردازد».<sup>(۹)</sup>

اگر قرار باشد - حسب تعریف - نقش بیمه منحصر در صورت مادی پرداخت دو مبلغ در قبال یکدیگر باشد بالاترید مشکل غرر مطرح خواهد شد زیرا در بیمه‌های اشیاء عموماً و در بیمه‌های اشخاص بعضاً مبلغی که بیمه‌گر خواهد پرداخت هم در میزان و هم در اصل آن جهل و تردید است زیرا معلوم نیست حادثه مورد بیمه اصلاً اتفاق بیفتد یا نه و در صورت اتفاق، در طول مدت بیمه چند بار تکرار شود و در هر بار، خسارت جزئی چند درصد مبلغ بیمه خواهد بود و در پایان مدت بیمه آیا به همین جهت کمتر یا بیشتر از مبلغ بیمه پرداخته خواهد شد یا نه؟ از همین ناحیه است که علاوه بر غرر، اشکالات ربوی و قمار و شرط‌بندی بودن قرارداد بیمه نیز مطرح می‌شود. نکته این است که حقیقت بیمه، جنبه «تأمینی» آن است. آنچه بیمه‌گذار در ازاء پرداخت حق بیمه تحصیل می‌کند، تأمین در برابر حوادث محتمل و زیانباری است که او را تهدید می‌نماید. چه بسا مردم تاجرپیشه و حسابگری که در طول سالیان دراز همواره حق بیمه‌های قابل توجهی پرداخت کرده‌اند ولی هرگز خسارتی معادل آنها دریافت نداشته‌اند ولی در عین حال بیمه نمودن اموال خود را جزء لاینفک فعالیت‌های تجاری خویش قرار داده‌اند. از همین جاست که علاوه بر نقض تعاریف فوق، حتی نقض توجیه عقد بیمه به عنوان قرارداد جبران خسارت نیز آشکار می‌شود.<sup>(۱۰)</sup> اگرچه این توجیه بی‌ربط نیست ولی یک اثر فعلی، قطعی و مشخص برای بیمه

بیان نمی‌کند، زیرا چه بسیار قراردادهای بیمه‌ای که اصلاً مورد خسارت پیدا نکرده منقضی می‌شوند و در نتیجه توجیه مزبور را بلا مصداق می‌سازند.<sup>(۱۱)</sup>

جالب اینجاست که هرگاه سخن از نقش بیمه می‌شود بر خاصیت تأمینی آن به هر بیانی که باشد تأکید می‌گردد و مثلاً در بیمه‌های عمر، اثر آنرا در جایگزین مناسبی بودن برای نان‌آور فوت شده یا از کارافتاده و خلاصه تأمین آتیه اشخاص و طلب طلبکاران و امثال اینها مطرح می‌کنند.<sup>(۱۲)</sup> و با اینکه بیمه‌های عمر را قراردادی برای جبران خسارت محسوب نمی‌دارند<sup>(۱۳)</sup> معذالک هنگام تعریف از این نکته‌ها غافل می‌مانند و فقط به آنچه بصورت پول رد و بدل می‌شود چشم می‌دوزند.

نقش بیمه همانند اقدامات بهداشتی و واکسیناسیون در قبال بیماریهاست که چه بسا در صورت عدم آنها نیز شخص مبتلا نشود ولی با تحمل هزینه و رنجی مختصر در قبال خطری بزرگ مصونیت یافته احساس آرامش می‌کند. حاصل اینکه با وجود تعاریف ناقص در عرف عام و خاص، به هدف و حقیقت بیمه به شرحی که گذشت عنایت هست و بدین ترتیب کاملاً معقول است که گفته شود آنچه در ازاء حق بیمه قرار می‌گیرد «تأمین» است.<sup>(۱۴)</sup> و این عوضی است کاملاً ارزشمند و بالفعل. مبلغ بیمه نیز، حدود این تأمین را مشخص می‌کند اعم از آنکه خسارتی واقع بشود و یا نشود.

به عنوان تأیید نظر فوق اضافه می‌نماید که اصل بسیار مهم و مبنائی بیمه‌ای یعنی لزوم وجود نفع قابل بیمه شدن، که در تمام اقسام بیمه مطرح است تأکیدی است بر تأمینی بودن این عقد و جنبه‌های غرر، قمار و شرط‌بندی بودن را از آن می‌زداید.

یک نکته دیگر باقی می‌ماند و آن عبارت از این است که باید مسأله غرر را از طرف بیمه‌گر نیز مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر با اینکه تردیدی نیست که بیمه‌گذار با قرارداد بیمه، تأمین دریافت می‌کند ولی بیمه‌گر نیز که تأمین می‌دهد در معرض آن است که مبلغ نامشخصی را - احتمالاً - پرداخت نماید. غرری بودن یک معامله از هر طرف که باشد موجب بطلان خواهد شد. همینطور است جنبه قمار و شرط‌بندی بودن بیمه از نگاه بیمه‌گر.

تعهد به نفع ثالث در قراردادهای بطورکلی و از جمله در بیمه عمر، با اصل نسبی بودن قراردادهای در حقوق، ناسازگار است و به همین جهت سعی در توجیه آن شده و چند وجه پیرامون آن ذکر گردیده است:

۱- تعدد عقد - ابتدا عقدی بین دو طرف منعقد می شود، سپس یکی از طرفین که متعهدله است طلب خود را به موجب این عقد بوجود آمده، بنابه قرارداد جدید دیگری به ثالث منتقل می کند<sup>(۱۶)</sup>. چند اشکال به این توجیه وارد است. یکی این است که چنین ترتیبی با واقعیت منطبق نیست و هیچگاه عقد دومی ولو ضمنی با ثالث منعقد نمی شود و چه بسا خصوصاً در بیمه عمر، اصلاً ثالث تا بعد از فوت بیمه گذار، از وجود چنین بیمه‌ای به نفع خود مطلع نمی گردد چه رسد به اینکه طرف عقد باشد. دیگر اینکه موالات بین ایجاب و قبول که در مدت معقول و عرفی باید وجود داشته باشد در بسیاری موارد منتفی می شود. اشکال سومی هم هست و آن این است که چنانچه قبل از قبول ثالث، بیمه گذار فوت کند، ایجاب وی هم از بین می رود و موردی برای قبول باقی نمی ماند و در نتیجه چه بسا قرارداد اصلی بدون نتیجه بلکه بدون موضوع می گردد.

۲- عقد فضولی - یکی از طرفین معامله در واقع آنرا فضولتاً از طرف ثالث منعقد می کند که پس از آن با قبول ثالث تنفیذ می گردد<sup>(۱۷)</sup> و یا به بیانی دیگر، نقش طرف عقد در ایجاد تعهد، نوعی «اداره فضولی مال غیر» است. این توجیه نیز با واقع انطباق ندارد زیرا متعهدله حق بیمه را از اموال خویش می پردازد و با قصد و رضای خویش قرارداد را منعقد می سازد منتهی تنها استفاده کننده را شخص ثالث قرار می دهد.

مضافاً اینکه اگر ذینفع تعهد به نفع خود را نپذیرفت اصل قرارداد منتفی نمی شود بلکه این امکان هست که متعهدله شخص دیگری را بجای وی برگزیند و حتی در صورت عدم تعیین شخص جدید منافع به ورثه او منتقل می شود. این نکته در بیمه عمر بسیار قابل توجه است<sup>(۱۸)</sup>.

۳- نظریه ایقاع - درست است که آنچه بین متعهد و متهدله واقع می شود یک عقد است ولی ایجاد تعهد به نفع ثالث، ایقاع است<sup>(۱۹)</sup>.

در این خصوص باید تذکر داد که موقعیت بیمه گر و بیمه شده، مشابه نیست. بیمه گران براساس آمار و قواعد حساب احتمالات عمل می کنند و نرخ شرایط بیمه را طوری معین می کنند که همواره در مجموع سود هم ببرند. غرر از طرف بیمه گر را نباید مانند یک بیمه گذار مستقل از سایرین در هر قرارداد و بطور مجزا و جداگانه ملاحظه نمود. نه تنها تمام قراردادهای در طی یک سال بلکه عملکرد بیمه گر در چند سال ملاک عمل است و انگهی بیمه گران از راههای متفاوتی نظیر بیمه مشترک و انواع بیمه های اتکائی که هر کدام اثر خاص دارد، خطرات را بین خود تقسیم می کنند و در حقیقت خود نیز سیستم تأمین ویژه خویش را دارند.

### تذکر مهم

در خاتمه بجاست یک نکته مهم را تذکر دهیم و آن این است که تمام آنچه گفته شد در فرضی است که بیمه درحقیقت تأمین باشد نه آنکه با این اسم ولی با محتوایی دیگر منعقد گردد که در این صورت موضوع بحث تخصصاً از حکم عدم غرر در بیمه خارج خواهد بود و بحث و حکم خاص خود را خواهد داشت.

این نکته خصوصاً در ارتباط با بیمه های عمر اهمیت دارد که رشته ای از سرمایه گذاری و عملیات تجاری هم محسوب می شود و چه بسا امروزه در مواردی این جنبه بر جنبه تأمین آن غلبه داشته باشد<sup>(۱۵)</sup> بطوریکه کسانی که امکان پس انداز دارند با فرمولهای ویژه ای که از سوی بیمه گران ارائه می شود بین سپرده گذاری بهره دار در بانکها یا قرارداد بیمه عمر، از نقطه نظر تجاری و انتفاعی، تصمیم گیری می کنند.

### بخش دوم - تعهد به نفع ثالث در بیمه عمر

در مقدمه بخش اول اشاره شد که در بیمه های عمر ممکن است ذینفع (دریافت کننده سرمایه بیمه) خود بیمه گذار یا شخص ثالث باشد. چنانچه بیمه در صورت فوت باشد بدون تردید ذینفع، ورثه یا هر شخص دیگر معین شده در قرارداد خواهد بود ولی در بیمه در صورت حیات، ممکن است خود بیمه شده و یا شخص ثالث ذینفع باشد.

واگذاریهای بلاعوض دارد، از آنجا که قبولی متعهد در حقوق آن کشور موجب لزوم هبه می‌شود، در بیمه عمر هم قبولی ثالث موجب تثبیت وضع او و غیرقابل تغییر شدن ذینفع می‌گردد<sup>(۲۲)</sup> اما بدین جهت که بیمه قراردادی خاص و با احکامی مستقل از عقود معینه است<sup>(۲۳)</sup> مادام که ذاتاً اقتضاء خاصی نداشته باشد قواعد عمومی قراردادها بر آن حاکم می‌شود نه احکام عقد معین دیگر لذا همان ترتیبی که قانون بیمه ایران مقرر داشته صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

نکته‌ای که باید در اینجا متذکر شویم این است که برعکس تصور معمول که تغییر ذینفع نیازی به موافقت بیمه‌گر ندارد و در توجیه گفته می‌شود آنچه رای او اهمیت دارد نفس تعهد به پرداخت سرمایه بیمه است<sup>(۲۴)</sup> و لذا حکم اخیر ماده ۲۶ قانون بیمه نیز تنها از نقطه نظر اطلاع او برای انجام تعهد در برابر ذینفع اصلی است، باید گفت در مواردی که تعهد به نحو مستمر، خواه در مدتی محدود یا مادام‌العمر باشد، تغییر ذینفع مؤثر در تعهد بیمه‌گر است و باید او با آن تغییرات موافقت نماید. این مطلب هم از لحاظ تفاوت سنین ذینفع‌ها با توجه به جدول و آمار مرگ و میر و هم در شرایط ازکارافتادگی یا سن ویژه نظیر کبر صغیر و امثال اینها مؤثر است.

مسئله‌ای مهم در ارتباط بین بیمه‌گذار و ذینفع وجود دارد که لازم است بدان نیز توجه شود. آیا سرمایه بیمه جزء دارائی بیمه‌گذار محسوب می‌شود یا ذینفع؟ اگر قائل به اولی شویم طلبکاران بیمه‌گذار نسبت به آن حق خواهند داشت و در شرایط ویژه نظیر ورشکستگی متعلق حق ایشان خواهد شد. در ضمن پس از فوت بیمه‌گذار، سرمایه بیمه جزء ماترک محسوب خواهد گردید. درحالی که اگر سرمایه مزبور را متعلق به ذینفع بدانیم آثار اخیرالذکر منتفی خواهد بود.

نظر به ماهیت قرارداد بیمه و اینکه شرط مذکور در آن، از ابتدا چنین است که سرمایه بیمه متعلق به ذینفع باشد، تردیدی در خارج بودن سرمایه بیمه از اموال بیمه‌گذار، جزء اموال ذینفع بودن آن نیست. جواز بانکها و مؤسسات جهت تبلیغات بصورت بیمه عمر، غیر از این نیست که سرمایه بیمه متعلق به ذینفع باشد نه خود ایشان.

اما در اینکه ایقاع مزبور تنها مستتب به اراده یک طرف (متعهد) است که از طریق توافق با متعهدله تحقق می‌یابد یا اینکه زاینده توافق و اراده هر دو طرف قرارداد می‌باشد و در نتیجه استثناء بر اصل نسبی بودن قراردادها، محل بحث است. نظر اخیر با ظاهر ماده ۲۳۱ قانون مدنی سازگارتر است و برخلاف اصل و به عنوان استثنائی است که قانون آنرا اجازه داده است<sup>(۲۵)</sup>.

بنابر اینکه تعهد به نفع ثالث ایقاع باشد، تعهد بدون نیاز به قبولی ثالث محقق می‌شود و علی‌القاعده اعم از آنکه مورد قبول یا ردوی قرارگیرد مادامی که منشاء ایقاع (اراده ایقاع‌کننده)، تعهد (موضوع ایقاع) را منتفی نساخته، آن تعهد به قوه خود باقی است و ثالث هرچند بار که نظر خود را تغییر دهد در نهایت می‌تواند باز از آن استفاده کند و در صورت قبول نیز ایقاع‌کننده می‌تواند تعهد را منتفی کند.

نظریه ایقاع بودن تعهد به نفع ثالث که در فرانسه و آلمان طرفدارانی پیدا کرده، اثر قبولی را غیر قابل رجوع نمودن ایقاع مزبور دانسته‌اند<sup>(۲۶)</sup>.

در ادامه با عنایت به این مقدمه، روابط هر یک از اطراف بیمه عمر نسبت به دیگری را بطور مجزا مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

### الف - رابطه بیمه‌گذار و ذینفع

گفته شد که تعهد به نفع ثالث در هر حال ریشه قراردادی دارد بنابراین متعهدله واقعی همانا بیمه‌گذار است، اوست که طرف عقد بوده و با متعهد (بیمه‌گر) الزام و التزامی را بوجود آورده است. حال که چنین است علی‌القاعده بیمه‌گذار می‌تواند اصلاً ذمه بیمه‌گر را بری کند یا ذینفع را تغییر دهد یا تعداد استفاده‌کنندگان را کم یا زیاد نماید.

بدیهی است که قبولی ذینفع نیز هیچ اثری در حدود اختیار بیمه‌گذار ندارد. بنابراین مقررات مواد ۲۴ و ۲۵ قانون بیمه ایران نیز که ترتیبی مشابه با آنچه گفته شد را مقرر کرده منطبق بر قاعده و منطق حقوقی است.

البته در کشورهایی نظیر فرانسه که بیمه عمر بنفع ثالث، ریشه در قواعد و احکام مربوط به هبه و

## ب - رابطه بیمه شده و ذینفع

ممکن است بیمه شده (کسی که بیمه در صورت فوت یا حیات منعقد شده) غیر از بیمه گذار و یا ذینفع باشد مثلاً شخص دیگری را به نفع فرزندان صغیر وی و در صورت فوت او بیمه نماید. بحث بر سر این است که چه رابطه‌ای لازم است بین بیمه شده و ذینفع باشد؟ اصل نفع قابل بیمه شدن - این اصل مهمترین رکن بیمه است و رعایتش در تمام اقسام بیمه ضروری است. خصوصاً اینکه در بیمه عمر، اگر چنین نفعی نباشد هر شخص بیگانه‌ای ممکن است خود را ذینفع در فوت دیگری قرار دهد و این این طریق میل به جرائم علیه اشخاص فزونی یابد و بیمه به صورت قرار و شرط بندی نیز درآید. قانون بیمه عمر ۱۷۷۴ انگلیس عمده برای جلوگیری از این سوء استفاده‌ها به تصویب رسید. (۲۵)

قانون مزبور تعریفی از نفع قابل بیمه شدن نکرده همانطور که قانون بیمه ایران نیز در این زمینه ساکت است و تنها به این اکتفا کرده که بیمه گذار باید نسبت به بقاء آنچه بیمه می‌دهد ذینفع باشد یا از حادثه با خطری متضرر گردد (ماده ۴).

برخی نویسندگان نفع مزبور را در بیمه عمر اینطور تعریف کرده‌اند که: «نفع قابل بیمه شدن در جایی و به اندازه‌ای مطرح می‌شود که بیمه شده وضعیتی دارد که با تحقق حادثه مورد بیمه - بصورت علت اصلی - خسارت یا نقصانی در حقوق وی حاصل گردد» (۲۶). البته این که نفع قابل بیمه شدن نمی‌تواند بیش از نفع در زمان قبل از حادثه باشد در قانون ۱۷۷۴ انگلیس تصریح شده است. بدین ترتیب تشخیص مصادیق با عرف است و آراء محاکم خصوصاً در کشورهای با سیستم حقوق انگلیس بسیار راه گشااست. بنابراین مثلاً افرادی که نفقه خوار دیگری هستند یا طلبکاران یک شخص، می‌توانند به اندازه نفع مورد توقع و حقتشان ذینفع در بیمه عمر آن شخص شوند (۲۷).

بطوریکه ملاحظه می‌شود وجود رابطه‌ای مشابه با آنچه فوقاً اشاره شد، فی مابین بیمه گذار و ذینفع یا بیمه شده منتفی است و وجود وعدم آن مساوی است. علاوه بر آنچه گفته شد، رضایت مسلم بیمه شده،

شرط صحت بیمه عمر است و عدم اعلام کتبی رضایت وی موجب بطلان قرارداد می‌گردد (ماده ۲۳ ق ب).

## ج - رابطه ذینفع و بیمه گر

به محض انعقاد قرارداد بین بیمه گر و بیمه گذار، تعهد به نفع ثالث (ذینفع) محقق می‌شود منتفی برخی صاحب نظران برای احتراز از تملک قهری، حق بوجود آمده برای ثالث را مادام که وی آنرا قبول نکرده متزلزل و پس از آن مستقر می‌دانند. در صورت عدم قبول، تعهد باقی می‌ماند و متعلق حق ورثه و طلبکاران بیمه گذار می‌شود (۲۸). لازمه ایجاد حق به نفع ثالث این است که وی بتواند آنرا مطالبه کند و در صورت عدم انجام، متعهد را از طریق قضائی تحت تعقیب قرار دهد. اما بدیهی است او طرف قرارداد با متعهد نبوده و در ازاء تعهد او چیزی به عهده نگرفته است تا در صورت عدم انجام تعهد، قرارداد را فسخ کند. قرارداد بیمه با اراده او بوجود نیامده تا با اراده او از بین برود.

مسئله‌ای در اینجا مطرح است که البته در ارتباط با ذینفع و بیمه گذار نیز قابل طرح می‌باشد. عبارت از اینکه آیا ذینفع می‌تواند حق بوجود آمده به نفع خود را طی قرارداد دیگری به سایر اشخاص منتقل کند یا خیر؟ از آنجا که حق بوجود آمده دارای ارزش اقتصادی است می‌تواند مانند هر مال دیگر توسط صاحب آن به دیگری منتقل شود مگر آنکه در قرارداد بیمه خلاف آنرا ذکر کرده باشند که در آن صورت از ابتدا حق مزبور مقید به استفاده شخص ذینفع است. در اینجا نیز باید اضافه شود که انتقال به غیر ذینفع نیازمند به رضایت (کتبی) بیمه شده نیز می‌باشد زیرا رضایت قبلی او در صورتی بوده است که ذینفع مقرر در قرارداد از سرمایه بیمه استفاده کند نه دیگری.

## د - رابطه بیمه گذار و بیمه گر

تردید نیست که بیمه گر در مقابل بیمه گذار است و پرداخت حق بیمه توسط شخص اخیر است که بیمه گر را بر آن می‌دارد تعهد نماید و جهی را طبق شرایط قرارداد به ثالث بپردازد. بنابراین متعهدله اصلی همانا بیمه گذار است منتفی نوع تعهد این طور است که وجهی به شخص

- مورد نظر بیمه گذار پرداخت شود. بدین ترتیب:  
اولاً، بیمه گذار می تواند بیمه گر را به طرق مقتضی (ثبت و یا پیگیری قضائی) اجبار به انجام تعهد نماید.  
ثانیاً، در صورت عدم امکان اجبار، قرارداد را فسخ نماید (۲۹).
- ثالثاً، حقوق فوق به قائم مقام قانونی بیمه گذار هم می رسد زیرا علاوه بر نفع معنوی و به جهت آنکه در ازاء آن تعهد، حق بیمه نیز پرداخت شده چه بسا ارزش اقتصادی هم داشته باشد. مثال بارز آن جوائز بیمه عمری است که شرکتها یا بانکها به مشتریان خود می دهند و قصد بازاریابی هم دارند و لذا عدم این تعهد از سوی بیمه گر به مصلحت آنها نیست و اجرای آنرا مطالبه می کنند. بدیهی است چنانچه شرکت یا بانک مزبور در شخص حقوقی دیگری ادغام شود، (۳۰) شخص اخیر دینفع در انجام تعهد بیمه گر و دارای همان حقوق بیمه گذار خواهد بود. در مورد اشخاص حقیقی نیز دلیلی برخلاف این انتقال حق نیست.
- پی نوشت**
- ۱ - محمدرضا الحظفر، اصول الفقه، جلد اول، ص ۱۷۱.
  - ۲ - Jean - Luc A ubert, que sats. Je?Lassurance - vie Et Les Assuances De Paris 1982, pp.4.5
  - ۳ - همایون مشایخی، مبانی و اصول حقوقی بیمه، نشر مدرسه عالی رسمه تهران، ۱۳۵۳ جلد دوم، ص ۱۸۶.
  - ۴ - الدینجد و سایر کتب لغت.
  - ۵ - دکتر ابوالقاسم گرجی، حقوق اسلامی، جزوه درس دانشگاه شهید بهشتی، و نیز دکتر جعفر لنگرودی، ترمینولوژی حقوق.
  - ۶ - دکتر گرجی، مرجع قبلی.
  - ۷ - مرجع قبلی و نیز بجنوردی، القواعد الفقهیه.
  - ۸ - دکتر محمد بلناجی، عقود التامین من وجه الفقه الاسلامی، کویت، دارالمروبه، ۱۴۰۲، ص ۶۸.
  - ۹ - Georje C. Evans, Insurance of person, The CLL TUTION service, Cambrije, 1985, p 1.4
  - ۱۰ - Alex L. Park; The Law and Practice of Marine Insurance and Averaje, London, Stevens, Sons, 1988, p21
- ۱۱ - امیرصادقی نشاط، حقوق بیمه دریائی، نشر مؤسسه علوم و فنون دریائی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۹ تا ۳۷.
- John H. Aajee; Life Insurance, Homewood, Hllinois, 1958, p.1.
- E.A. Holder ;Housmans Law of Life Assurance , Buherwovths, London, 1966, p.16.
- ۱۴ - استاد مرتضی مطهری، بررسی فقهی مسئله بیمه، میقات، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۶.
- Georje C.Evans;Insurance of The person, The CLL , cambrije 1985,p.1.1
- ۱۶ - دکتر ناصر کاتوزیان، اعمال حقوقی، شرکت انتشار، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۸۱. و نیز دکتر حسن امامی، حقوق مدنی، جلد ۱، ۱۳۵۱، ص ۲۵۲، و نیز دکتر همایون مشایخی، مبانی و اصول حقوقی بیمه، جلد ۲، ص ۴۰۹.
- ۱۷ - دکتر حسن امامی، مرجع قبلی.
- ۱۸ - ضمناً مراجعه شود به دکتر ناصر کاتوزیان، مرجع قبلی، ص ۱۸۱
- ۱۹ - دکتر همایون مشایخی، مرجع سابق الذکر، ص ۱۸۲.
- ۲۰ - دکتر ناصر کاتوزیان، مرجع سابق الذکر، ص ۱۸۳
- ۲۱ - دکتر همایون مشایخی، مرجع سابق الذکر، ص ۴۱۳.
- ۲۲ - مرجع قبلی، ص ۳۸۰ تا ۴۰۱ و ۴۲۰.
- ۲۳ - امام خمینی، تحریر الوسیله، و نیز امیر صادقی نشاط، حقوق بیمه دریائی، مؤسسه علوم و فنون دریائی، فصل اول
- ۲۴ - دکتر همایون مشایخی، مرجع قبلی ص ۳۸۲
- James S.Buke, The beneficiary in Life insurance, Homewood , Hllinols, 1956, p.p.47
- و نیز: Georje C.Erans, Insurance of Person, The CLL ,/4, p.1
- ۲۶ - مرجع اخیر الذکر ص ۱۱۶.
- E.A. Holder, Housmans Law of Life assurance, P.P.18-20
- و نیز: James S.Buke, The beneficiary in Life insurance, Hllinols, 1956.
- ۲۸ - دکتر ناصر کاتوزیان، مرجع قبلی ص ۱۸۳، و نیز دکتر همایون مشایخی، مرجع قبلی ص ۴۱۳.
- ۲۹ - مرجع اخیر الذکر ص ۴۱۹.
- ۳۰ - برای تحقیق در مفهوم، آثار و احکام «ادغام» در حقوق تجارت رجوع شود به:
- Afan B.Todd; Newyork Laws , 54 th Edition, Affecting, Business, corporations, Newyork.1913.